

ناکامی اصلاحات امان‌الله‌خان و شکل‌گیری حکومت بچه‌سقا (سقا) در افغانستان

شهرزاد ساسان‌پور^۱

احمد درستی^۲

چکیده: حکومت امان‌الله‌خان (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹م) از نقاط عطف تاریخ کشور افغانستان به‌شمار می‌رود، زیرا موجب دگرگونی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی در این کشور گردید. از مهم‌ترین اقدامات بلندمدت وی، به دست آوردن استقلال کامل کشور افغانستان و حفظ سرحدات آن، پس از جنگ جهانی دوم، با موافقت دولت‌های انگلستان و شوروی بود. به دنبال گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و باز شدن دروازه‌های افغانستان بر روی فرهنگ، تمدن، اندیشه‌ها و افکار جدید، امان‌الله‌خان پس از استقلال در راستای حفظ پادشاهی خود، به‌ایجاد اصلاحاتی در ساختار حکومت افغانستان اقدام نمود. هم‌زمانی وی با حکومت رضاشاه در ایران و آتاتورک در ترکیه، که دست به اقدامات مشابهی زدند، وی را برای عملی کردن اصلاحات مورد نظرش ترغیب نمود. این مقاله با روی‌کردی جامعه‌شناسانه و با بهره‌گیری از نظریات چالمرز جانسون، به بررسی پی‌آمدهای این اصلاحات و تأثیر آن بر حکومت امان‌الله‌خان می‌پردازد. به نظر می‌رسد این اصلاحات در میان اقشار مختلف جامعه‌ی افغان آن روز پی‌آمد معکوس داشت و در نهایت، ناکامی اصلاحات امان‌الله‌خان و حاکمیت ارزش‌ها و هنجارهای جدید اجتماعی، به سقوط وی و دست‌یابی فردی از پایگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار پایین‌تر به حکومت انجامید.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، امان‌الله‌خان، بچه سقا، اصلاحات

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، واحد شاهین شهر sh_sasanpour@yahoo.com

۲ پژوهش‌گر دانشگاه امام حسین (ع) ahmad_dorosti@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۸، تاریخ تأیید: ۹۰/۴/۴

Failure of Amanullah Khan's Reforms and Formation of Bacheh-Saqqa's Government in Afghanistan

Shahrzad Sasanpour¹

Ahmad Dorosti²

Abstract: Amanullah Khan's government (1919-1929 AD) is considered as one of the turning points of history of Afghanistan, because he brought about radical changes in political, economical and social-cultural structure in Afghanistan. Amongst his most important long lasting efforts was securing Afghanistan's full independence and protection of its borders after the World War II by the support of England and Soviet Union Governments. After developing political, economic and cultural relations and opening Afghanistan's gates to the modern culture, civilization and ideas, in order to protect his monarchy, he embarked on reformations in the government's structure. Simultaneity of his government with those of Reza Shah in Iran and Ataturk in Turkey, both did similar measures, to protect their kingdoms, encouraged him to put into effect the intended reformations in political, social, economic fields. But these reformations amongst different strata of Afghan society of the time had reversed effect which ultimately led to Amanullah Khan's fall and seizing power by a person from a very low political, economic and social standing. The main question of this research is whether Amanullah Khan's fall and Bacheh-Saqqa's coming to power was due to failure of Amanullah Khan's reforms or Bacheh-Saqqa's political-military power. The research main hypothesis is that failure of Amanullah Khan's reforms led to his fall and seizing power by Bacheh-Saqqa. To find out this, with a sociological approach and by profiting from Chalmers Johnson's Theories.

Results of the present research suggest that failure of Amanullah Khan's reforms and ruling of new social values and norms led to Amanullah Khan's fall and seizing power by Bacheh-Saqqa.

Key words: Afghanistan, Amanullah Khan, Bacheh-Saqqa, Reforms

1 Assistant Professor of History, payam-e-nour shahin shahr University

2 Researcher of Imam Hossein University

مقدمه

از دوره‌ی حکومت دوست محمدخان، خاندان سدوزایی در امر سلطنت جای خود را به خاندان محمدزایی داد. در طی سال‌های جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)، دولت انگلستان که از دوره‌ی حکومت شاه شجاع در افغانستان بیش از پیش نفوذ کرده بود، به امیر حبیب‌الله خان، شاه افغانستان، وعده داد که در مقابل حفظ بی‌طرفی در جنگ، به افغان‌ها استقلال کامل بدهد. قتل امیر حبیب‌الله خان، این وعده را به دوره‌ی حکومت پسرش امان‌الله‌خان موکول نمود. امان‌الله‌خان بعد از اعلام استقلال کامل افغانستان، در زمینه‌های اقتصادی-مالیاتی، اداری، اجتماعی-فرهنگی و غیره به صورتی کاملاً شتاب‌زده اصلاحاتی انجام داد. این شتاب‌زدگی در نهایت به مخالفت و شورش گروه‌ها و قشرهای مختلف، از جمله اعضای دولت، درباریان، قبیله‌ها و قوم‌های گوناگون، روحانیان و... منتهی گردید. در کنار آن، حمایت کارگزاران و مأموران دولت انگلستان در افغانستان از این شورش‌ها و دامن زدن به آنها، در سقوط امان‌الله‌خان و به حکومت رسیدن رهبری شورشی به نام حبیب‌الله «بچه‌سقا»، که پایگاه اجتماعی و سیاسی قابل توجهی نداشت، مؤثر افتاد. بچه‌سقا با استفاده از فرصتی طلایی و بهره‌گیری از فضایی پرتنش، به حکومت دست یافت و در دوران نه ماهه‌ی حکومت خود اصلاحات امانی را لغو کرد و حکومتی مرکب از راه‌زنان، تحصیل‌کردگان و رجال سیاسی عصر امان‌الله‌خان ایجاد کرد. بر این اساس، مسئله‌ی کلیدی پژوهش حاضر شناسایی عواملی است که باعث شکل‌گیری حکومت بچه‌سقا شد.

در این مقاله، کوشش شده است با بهره‌گیری از چند دسته منابع، از جمله تواریخ مربوط به افغانستان در دوران معاصر، مقالات موجود در *دایرة المعارف آریانا، ایرانیکا، بریتانیکا* و اسناد آرشیو وزارت امور خارجه- به‌خصوص اسناد مربوط به سال ۱۳۰۷ هـ ش- به بررسی عوامل سقوط امان‌الله‌خان و شکل‌گیری حکومت بچه‌سقا پرداخته شود.

برای بررسی موضوع، از نظریه‌های جامعه‌شناسانه‌ی چالمرز جانسون^۱ استفاده شده است. وی در نگرش سیستمی- کارکردی خود بر استمرار نقش‌ها و ساختارها در تداوم حیات اجتماعی تأکید می‌ورزد و ضمن توجه به تأثیر متقابل محیط و ارزش‌های اجتماعی در راستای درک تغییر اجتماعی، غیرهم‌آهنگ عمل کردن محیط و ارزش‌های اجتماعی را- با دخالت عناصر داخلی یا خارجی- عامل اصلی تغییر اجتماعی می‌داند که در نتیجه‌ی آن، مشروعیت و

۱ از جامعه‌شناسان مکتب کارکردگرایی که چهار مقوله‌ی ساختاری ارزش‌ها، هنجارها، جمع‌ها و نقش‌ها را از عوامل سامان‌بندی اجتماعی می‌داند.

اقتدار نظام پیشین فرو می‌ریزد، و اگر نخبگان داخلی و رهبران سیاسی جامعه تمایلی برای ایجاد هم‌آهنگی میان ارزش‌ها و محیط اجتماعی نداشته باشند، تغییر اجتماعی به وقوع می‌پیوندد.^۱ در این مقاله کوشش شده است با استفاده از این نظریه نقش اصلاحات امان‌الله‌خان در عدم تعادل میان محیط و ارزش‌های اجتماعی و در نتیجه سقوط وی و روی کار آمدن بچه‌سقا مورد بررسی قرار گیرد و روشن می‌شود چگونه ملتی که در آن مرحله به استقلال کامل سیاسی و اصلاحات نوین دست یافته بود، بدان معترض شد، و چرا اقلشار مختلف جامعه‌ی آن روز افغانستان، از رجال دولتی و سرداران نظامی گرفته، تا روحانیان، صوفیان، روشن‌فکران، سران قبایل و عشایر و غیره، با اصلاحات امان‌الله‌خان مخالفت کردند و باعث سقوط وی و به حکومت رسیدن فردی گردیدند که از کم‌ترین پایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار و مخالف اصلاحات بود.

گرچه درباره‌ی موضوع این مقاله، چند پژوهش مستقل، از جمله «عیاری از خراسان» نوشته‌ی خلیل‌الله خلیلی، «از عیاری تا امارت» نوشته‌ی عبدالشکور حکم، صورت گرفته است و حتی در منابع متعلق به تاریخ افغانستان، مانند درباری بزرگ و دایرة المعارف‌های آریانا، ایرانیکا و بریتانیکا، از نویسندگان مسلمان، به‌خصوص افغان (مانند «افغانستان در مسیر تاریخ» نوشته‌ی محمد غلام غبار، «کرسی نشینان کابل» نوشته‌ی فرخ، و از نویسندگان خارجی، مانند مایکل بری) مطالبی درباره‌ی سقوط امان‌الله و شکل‌گیری حکومت بچه سقا آمده است. اما در مقاله‌ی حاضر، از آن‌جا که عوامل ناکامی اصلاحات امان‌الله‌خان، با توجه به نظریه‌ی جانسون، از دو جنبه‌ی خارجی و داخلی بررسی شده است، نکات تازه‌ای وجود دارد. فرضیه‌ی اصلی در این مقاله که به نقش اصلاحات امان‌الله‌خان در سقوط وی و شکل‌گیری حکومت بچه سقا ناظر است در کنار این فرضیه رقیب به بررسی گذاشته می‌شود که ابتکارها و توانایی بچه سقا را برای به دست گرفتن قدرت نظامی و سیاسی، موجب به حکومت رسیدن وی می‌داند.

تحولات سیاسی افغانستان از ابدالی‌ها تا امان‌الله‌خان (محمدزایی)

حکومت افغانستان به عنوان یک حکومت مستقل از سال ۱۱۶۰ ه‍.ق (۱۷۴۷م) در اختیار دو خاندان از طایفه‌ی ابدالی‌ها بود. از سال ۱۱۶۰ تا ۱۲۵۱ ه‍.ق، خاندان سدوزایی‌ها و در رأس

۱ چالمرز جانسون (۱۳۶۳)، تحول انقلابی، ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۸.

آن‌ها درانی‌ها، و از سال ۱۲۵۱ ه‍.ق به بعد، خاندان محمد زایی در افغانستان حکومت کردند. بعد از احمدشاه ابدالی، پسرش تیمورشاه، و پس از وی فرزندانش زمان‌شاه، شاه محمود و شاه شجاع از طایفه‌ی درانی به حکومت رسیدند؛ سرانجام، دوست محمدخان در دوره‌ی شاه شجاع امارت کابل را بر عهده گرفت و با شکست سدوزایی‌ها، در کابل بر تخت سلطنت نشست^۱ و بدین ترتیب حکومت از شاخه‌ی درانی به شاخه‌ی محمدزایی (بارک‌زایی) انتقال یافت.

در این زمان، روس‌ها به دنبال سیاست توسعه طلبانه‌ی خود در آسیای مرکزی، نواحی مرو و کوشک را تصرف نمودند؛ انگلیسی‌ها نیز برای حفظ هند به ناحیه‌ی بلوچستان چشم طمع داشتند. سیک‌ها با حمایت دولت انگلیس بر ناحیه‌ی پیشاور دست یافتند، و روس‌ها با استفاده از اختلاف طوایف سدوزایی و محمد زایی، شاه ایران را برای تصرف هرات تشویق نمودند. همکاری شاه شجاع، حاکم معزول طایفه‌ی سدوزایی، با انگلیسی‌ها برای به دست آوردن مجدد افغانستان در قبال واگذاری پیشاور به سیک‌ها، به خروج نیروهای ایران از هرات منتهی شد. شورش طوایف افغان علیه شاه و محاصره و کشتار نیروهای انگلیسی، بهانه‌ی مهمی برای محاصره‌ی کابل به دست دولت انگلستان داد.^۲

با قتل شاه شجاع، دولت انگلیس به منظور ایجاد حکومتی دست‌نشانده، دوست محمدخان را که به هند تبعید شده بود، مجدداً به حکومت افغانستان رسانید. بعد از یک دوره آرامش کوتاه، با مرگ دوست محمدخان در رقابت‌های جانشینی، سرانجام شیرعلی (۱۲۸۵ ه‍.ق) به حکومت رسید. در این زمان، نیروهای روسیه با موافقت انگلیسی‌ها، از مرزهای شمال افغانستان و اطراف رود جیحون خارج شدند. اما چون گارد مرزی افغانستان به نیروهای انگلیسی اجازه‌ی عبور از تنگه‌ی خیبر را نداد، دومین جنگ میان افغان‌ها و انگلیسی‌ها آغاز شد. در اثنای جنگ، شیرعلی فوت کرد و فرزندش یعقوب، به شرط آن‌که دولت افغانستان با اجازه و مشورت دولت انگلستان به ایجاد روابط با دول خارج بپردازد، به حکومت رسید.^۳

سرانجام، مبارزه‌ی سران قبایل و مخالفان اقدامات دولت انگلیس، به لشکرکشی انگلیسی‌ها به کابل و قندهار و تبعید یعقوب به هند منجر گردید. مهره‌ی مورد نظر انگلیسی‌ها که

۱ بصیر احمد دولت‌آبادی (۱۳۸۲)، *شناسنامه‌ی افغانستان*، تهران: عرفان، صص ۲۸۹-۳۰۶.

۲ محمد غلام‌غبار (۱۳۶۶)، *افغانستان در مسیر تاریخ*، ج ۱، تهران: نشر انقلاب و جمهوری، ج ۳، صص ۵۱۸-۵۳۹.

۳ همان، صص ۵۳۹-۵۸۹.

می‌توانست به مخالفت رؤسای قبایل خاتمه دهد، نوهی دوست محمدخان یعنی عبدالرحمن، بود که با پذیرفتن شرط مورد نظر انگلیسی‌ها به حکومت رسید. توافق روس‌ها و انگلیسی‌ها در مورد مرزهای افغانستان، به تسلط روسیه در سراسر مرزهای دولت مذکور با روسیه، ایران و پامیر، و همچنین مرزهای جنوب غربی افغانستان با هند- انگلیس و نیز نظارت بر قبایل پشتون مرزی میان افغانستان و انگلستان براساس خط دیورند (Durand Line) انجامید، که به تقسیم قبایل پشتون و کشاکش‌های مرزی و برخوردهای نظامی منجر گردید. عبدالرحمن، با سیاست واگذاری پست‌های اداری و نظامی به سران قبایل، از خودمختاری آن‌ها ممانعت کرد و برخی قبایل متمرکز را، مانند هزاره‌ها و غلزایی‌ها، مطیع نمود. سیاست خارجی عبدالرحمن تا زمان حکومت فرزندش حبیب‌الله (۱۳۱۹هـ.ق / ۱۹۰۱م) ادامه یافت، اما حبیب‌الله اول، که در عدالت، انوشیروان دادگر خوانده می‌شد، علاوه بر انجام اصلاحاتی، از جمله بخشش چند ساله مالیاتی کشاورزان، تجارت برده را متوقف نمود و مدارس به سبک غربی و علم طب را در افغانستان رواج داد.^۲

در سال ۱۹۰۷م، با توافق دولت‌های روس و انگلیس، سرزمین افغانستان همچون سدّی میان این دو دولت قرار گرفت. با وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م، به‌رغم تلاش شورشیان هندی، و نیز دولت آلمان که در پی کسب یاری افغان‌ها بودند، به خصوص براساس حکم جهاد سلطان عثمانی علیه کفار، امیر حبیب‌الله از سوی دولت انگلیس متقاعد شد که بی‌طرفی را حفظ کند، تا بدین ترتیب، در پایان جنگ، به دولت افغانستان استقلال کامل داده شود؛ اما قبل از هر گونه موافقت کتبی در این زمینه، وی در سال ۱۲۹۸ هـ.ق / ۱۹۱۹م به قتل رسید. سپس پسر سوم امیر حبیب‌الله، به نام امان‌الله‌خان، به حکومت افغانستان رسید.^۳

حکومت امان‌الله‌خان

الف. اصلاحات

حکومت امان‌الله‌خان (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹م) هم‌زمان با رضاخان پهلوی در ایران و کمال آتاتورک در ترکیه بود. هر سه حکومت مذکور، به مدد شعارهایی مانند آزادی‌خواهی و انقلابی‌گری

۱ میرزا یعقوب علی خوافی (۱۳۸۱)، پادشاهان اخیر افغانستان، ویراسته‌ی محمد سرور مولائی، تهران: عرفان صص ۵۵۹-۵۶۰.

۲ میرمحمد صدیق فرهنگ (۱۳۷۱)، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، مشهد: درخشش، ۴۱۲ تا ۴۱۴.

۳ دولت‌آبادی، همان، صص ۳۱۰-۳۳۱.

بر سر کار آمدند و به نوعی مدعی مبارزه با استعمار انگلیس شدند: رضاخان با الغای قرارداد ۱۹۱۹م، آتاتورک با اعلان جمهوری ترکیه، و امان‌الله‌خان با اعلام استقلال افغانستان. امان‌الله با تغییر عنوان خود از امیر به شاه،^۱ به حکومت افغانستان رسید، و ضمن اعلام استقلال، کشورش، با ایراد نطق پرحرارتی، مردم را به اصلاحاتی در زمینه‌های ایجاد عدالت، مساوات، آزادی، منع رشوه‌خواری، جلوگیری از ظلم و غیره، وعده داد.^۲ حمایت روحانیانی چون حضرت صاحب شور بازار و عامه‌ی مردم از امان‌الله باعث شد که او در راستای استقلال سیاسی افغانستان اقدام کند. گسترش احساسات ضد انگلیسی در میان مردم افغانستان، که معتقد بودند استقلال کامل و حفظ بی‌طرفی افغانستان می‌بایستی در جنگ جهانی اول از سوی انگلیسی‌ها حفظ می‌شد، سومین جنگ را میان افغانستان و انگلستان برپا نمود. اما این جنگ، بین ارتش نا کارآمد افغانستان و ارتش هندی انگلستان که از جنگ جهانی اول خسته و وامانده بودند، کشاکش‌هایی ایجاد کرد.^۳ نتیجه‌ی جنگ، پیروزی دولت انگلستان و انعقاد صلح راولپندی (در سال ۱۹۲۱ م) بود که انگلیسی‌ها ضمن آن آزادی افغان‌ها را در روابط خارجی‌شان با دولت‌های دیگر پذیرفتند و به دنبال آن، دولت انگلستان با تصویب عهدنامه‌ی کابل، استقلال کامل افغانستان را، به دلایلی از جمله ترس از نفوذ تمایلات کمونیستی از روسیه و غیره، به رسمیت شناخت. حکومت افغانستان نیز خط دیورند را به عنوان نقطه‌ی سرحدی میان دو کشور تأیید نمود و تمامی ادعای خود را در خصوص ماورای این خط پس گرفت، و بدین ترتیب، دست دولت انگلستان در تصمیم‌گیری راجع به قبیله‌های سرحدی افغانستان باز گذاشته شد، که سرانجام به شورش آن‌ها منتهی شد.^۴

قابل ذکر است که این سرحدات در خلال جنگ جهانی دوم و اعلام استقلال هند، به دولت پاکستان واگذار گردید. دولت شوروی و سپس فرانسه، ایتالیا، ترکیه و ایران نیز، استقلال این کشور را به رسمیت شناختند.

از نخستین نتایج عملی استقلال افغانستان، ایجاد مناسبات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری و باز شدن دروازه‌های افغانستان به روی فرهنگ، تمدن، اندیشه و افکار جدید بود. این

1 The New Encyclopedia Britannica (1994), Vol.13.P34.

۲ ا. چ. ماگنوس (۱۳۸۰)، افغانستان، روحانی، مارکس، مجاهد، ترجمه‌ی قاسم ملکی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۵۷-۵۹.

3 The New Encyclopedia, Britannica (1994), Macropaedia founded, Vol. 1.P310.

۴ سید مهدی فرخ (۱۳۷۰)، کرسی‌نشینان کلل، به کوشش محمد آصف فکرت: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۸-۱۹.

موضوع، ایجاد اصلاحات در زمینه‌های مختلف را برای حکومت امان‌الله‌خان ضروری نمود. وی، پس از انعقاد صلح راولپندی با دولت انگلستان، در طی دو مرحله، به عملی نمودن یک رشته اصلاحات در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، اداری و مالیاتی پرداخت. در مرحله اول (۱۹۱۹ - ۱۹۲۸م) وی سعی کرد با ایجاد اصلاحات فرهنگی - اجتماعی، دولت افغانستان را از اساس کهنه‌ی قبایلی خارج کند و کابینه‌ای برپایه‌ی اصول جدید تشکیل دهد. مشروطه‌خواهانی مانند عبدالهادی‌خان و عبدالرحمن‌خان - مؤلفان روزنامه‌ی *سراج‌الخبار* - در این راستا با امان‌الله‌خان همکاری کردند، که در نتیجه‌ی آن حزب‌های مشروطه‌خواه اعتدالی و ملی‌گرای افراطی (باتمایلات چپ) در افغانستان ایجاد شد و به بیداری افکار عمومی منجر گردید. پس از تصویب قانون اساسی مرکب از ۷۳ ماده، تحت تأثیر جمال پاشا رهبر حزب اتحاد و ترقی و بدری بیگ، با اتخاذ از قوانین دولت عثمانی، نظام‌نامه‌های مطبوعات، جزای عمومی، فروش املاک سرکاری، تذکره‌ی نفوس، گذرنامه، بودجه‌ی عمومی و مانده‌های آن، شکل گرفت.^۱

از مهم‌ترین اقدامات امان‌الله‌خان در این دوره آن بود که براساس ماده‌ی هشتم قانون اساسی، «به همه‌ی افرادی که در مملکت افغانستان زندگی می‌کردند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه‌ی افغانستان گفته می‌شد» و براساس ماده‌ی شانزدهم آن، تساوی حقوق میان مردم وعده داده شد. وی، علاوه بر آزاد کردن محبوسان مشروطه‌طلب زمان پدرش از زندان‌ها، سعی کرد روشن‌فکران را در امور دولت شرکت دهد؛^۲ در نتیجه، فضای باز سیاسی ایجاد شد. با لغو امتیازهای عشیره‌ی محمدزایی و خان‌ها و روحانیان، قدرت اساسی حکومت امان‌الله‌خان در اختیار سه قوه‌ی مقننه، قضاییه و مجریه قرار گرفت. همچنین، «شورای دولت»، مرکب از اعضای انتصابی از سوی شاه و اعضای انتخابی از سوی ملت، ایجاد شد و قانون‌های قضایی و اجرایی چارچوب مشخصی^۳ یافت. سرانجام، امان‌الله‌خان بر اثر شورش طوایف منگل مجبور شد بخشی از امتیازهای قشر اشراف رابه ایشان برگرداند.^۴

امان‌الله‌خان دومین مرحله‌ی اصلاحات خود را (۱۹۲۸ - ۱۹۲۹م)، پس از مسافرت هفت ماهه‌اش به اروپا، با شتاب‌زدگی تمام عملی نمود. وی، پس از شورش طوایف منگل، متوجه

۱ صفا اخوان (۱۳۸۰)، *تاریخ شفاهی افغانستان (۱۹۰۰-۱۹۲۲م)*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماتی وزارت امور خارجه، صص ۳۷-۴۰.

۲ محمد غلام غبار (۱۳۶۶)، همان، صص ۷۹۴-۷۹۹.

۳ مری لوئیس کلیفورد (۱۳۶۸)، *سرزمین و مردم افغانستان*، ترجمه‌ی مرتضی‌السعدی، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۱۷۶-۱۷۷.

۴ میرمحمد صدیق فرهنگ (۱۳۷۱)، همان، صص ۵۳۴-۵۳۵.

اهمیت اداری ولایات شد. او، پس از انتصاب محمدولی‌خان به عنوان وکیل خود در افغانستان، به همراه عده‌ای از جمله ملکه ثریا (که بی‌حجابی‌اش موجب شگفتی دربار امان‌الله گردید)، والی علی‌احمدخان، شیراحمدخان (رئیس شورا)، غلام صدیق‌خان (وزیر امور خارجه) و شماری دیگر (در سال ۱۳۰۶ش/ ۱۹۲۰م)، پس از عبور از هند، به کشورهای مصر، ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلستان مسافرت نمود و با سران این کشورها مذاکراتی در باب همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی انجام داد. وی، ضمن خرید تعدادی اسلحه، توانست در مذاکراتش با آتاتورک موافقت او را برای فرستادن یک هیئت نظامی ترک به منظور تقویت ارتش افغانستان به دست آورد.^۲

امان‌الله، پس از بازگشت از اروپا، به تقلید از تمدن غرب، به اقدام‌هایی مانند تغییر لباس سنتی مردم، استفاده از پرچم جدید، احداث مدرسه‌های مختلف پسرانه و دخترانه، رفع حجاب از زنان، توجه به حقوق زنان، تغییر روز تعطیل هفته، تأسیس پارلمان انتخابی، امتحان گرفتن از ملاها، تصویب نظام‌نامه‌ی کلوپ سیاه و سرخ و سبز و غیره، دست زد.^۳ وی در پی طرح مسئله‌ی آزادی زنان و ضرورت رفع حجاب از آنان در مقاله‌ای از سوی ملکه ثریا، با دعوت از زنان مأموران ارشد و معارف شهر در قصر شاهی، به ایشان گوشزد کرد که اگر شوهران به آنان آزادی نمی‌دهند، زنان حق دارند آن‌ها را هدف گلوله قرار دهند و امان‌الله شخصاً سلاح لازم را به ایشان خواهد داد.^۴

ب. پی‌آمد اصلاحات امان‌الله‌خان: سقوط حکومت او

درباره‌ی هدف امان‌الله‌خان از عملی کردن دو مرحله‌ی اصلاحات در دوره‌ی حکومت وی، نظرات گوناگونی ارائه شده است: برخی هدف او را اروپایی‌سازی افغانستان می‌دانند که برای محیط آن زمان هضم شدنی نبود. بعضی دیگر هدف وی را از این اصلاحات، معرفی افغانستان به‌عنوان کشوری آزاد و مستقل به‌دنیای دانسته‌اند. عده‌ای نیز هدف این اصلاحات را هدایت افغانستان در راه رشد و پیشرفت محسوب نموده‌اند.^۵ به قولی، او نخستین فرمان‌روا و شهروند افغانی بود

۱ مهدی فرخ (۱۳۱۴)، تاریخ سیاسی افغانستان، ج ۱، تهران: مجلس، صص ۳۹۵-۳۹۸.

۲ ماکنوس، همان، ص ۵۷.

۳ غبار، همان، ج ۱، صص ۸۱۲-۸۱۳.

۴ دولت‌آبادی، همان، ص ۳۳۳.

۵ اخوان، همان، صص ۳۷-۴۰.

که آشکارا از آزادی فردی و مردمی سخن گفت و اصل آزادی را در افغانستان قانونی کرد.^۱ اصلاحات امان‌الله‌خان در نهایت به سقوط او انجامید، زیرا موجب کاهش حمایت عمومی و نیز رنجش برخی روحانیون و رؤسای قبیله‌ها از وی شد.^۲ چنان‌که محمداصداق مجددی نقشبندی، برادر فضل عمر، به اتفاق برادرزاده‌اش محمد معصوم مجددی، همراه عده‌ای از روحانیون، با امضای چهارصد تن از علمای دینی، فتوای کفر شاه را صادر کردند و سپس به شورشیان منگلی پیوستند؛ اما در پایان، شکست خوردند و خاندان مجددی به حبس ابد محکوم، و چهار تن از علمای شورشی نیز تیرباران شدند.^۳

از دیگر پی‌آمدهای اصلاحات امان‌الله‌خان، ایجاد تضاد میان دهقانان، مأموران و کارمندان، و دور نمودن رهبران نظامی و مذهبی و قبایل پشتون از قدرت بود، که بازتاب آن را می‌توان در طغیان قبیله‌های شینواری (در شرق جلال‌آباد) از طوایف پشتون، مشاهده کرد.^۴ به عبارتی، اصلاحات امان‌الله‌خان به ناهم‌آهنگی میان محیط و ارزش‌های اجتماعی منجر شد و مداخله‌ی عناصر داخلی و خارجی، سقوط اورابه دنبال آورد.

با توجه به مطالب بالا، مهم‌ترین عوامل سقوط امان‌الله‌خان، که روی کار آمدن حبیب‌الله سقا (بچه سقا) رانیز موجب گردید، عبارت بودند از:

- غرب زدگی و فرنگی مآبی امان‌الله‌خان

از سال ۱۹۱۹م، حکومت‌های افغانستان سه موضوع: تحکیم قدرت نظامی، تحریک ملی‌گرایی افغان به عنوان ایدئولوژی جانشین سنت‌های اسلامی، و نوسازی جامعه^۵ را در رأس اهداف خود قرار دادند. اما نوسازی جامعه به غرب‌گرایی تبدیل شد که آغازش دوره‌ی عبدالرحمن (پدر بزرگ امان‌الله) و اوج آن در عصر امان‌الله‌خان بود. وی که از طریق درباریان و کارشناسان انگلیسی با تمدن اروپایی آشنا شده بود، قصد داشت با جذب ارزش‌های صوری غرب، افغانستان را به رستگاری برساند.^۶ به عبارتی، وی از آن‌گونه تجدد طلبانی بود که قصد

۱ عبدالهادی حائری (۱۳۷۴)، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، مشهد: جهاد دانشگاهی، ص ۱۹۹.

2 The New Encyclopedia Britannica, (1994), Vol. 13.P34.

۳ فرخ، همان، ج ۱: صص ۸۱۱-۸۱۴.

۴ ماگنوس، همان، ص ۵۹.

۵ مایکل بری (۱۳۸۸)، بازی بزرگ) مدار از فلک چشم نیک اختر، به کوشش سید ذوالمجد عالم شاهی، کابل: امیری،

۱۳۸۸، ص ۹۴.

۶ نجیب مایل هروی (۱۳۶۲)، تاریخ و زبان در افغانستان، تهران: موقوفات محمود افشار یزدی، صص ۴۲-۴۳.

داشت مردم افغانستان را برای رسیدن به تمدن و پیشرفت سرا پا غربی کند.^۱ اجرای اصلاحات ناپسند به شیوهی آتاتورک و رضا خان از اشتباه‌های فاحش امان‌الله خان بود زیرا حکومت وی، از یک سو، استحکام حکومت مطلقه‌ی رضاخان و آتاتورک را نداشت؛ و از سوی دیگر، نبود جنگ افزارهای مناسب موجب می‌شد تا او توانایی لازم را برای سرکوبی شورشی‌های قبیله‌های شرق افغانستان (۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ م) نداشته باشد؛^۲ به علاوه، وی متوجه اصل بنیادین ضرورت آمادگی جامعه در راستای دگرگونی زیر بنایی نبود.^۳

او سعی کرد ایدئولوژی جدید مبتنی بر ملی‌گرایی غیر مذهبی بر پایه‌ی اشتراک زبان را جانشین ایدئولوژی اسلامی سازد. در اثر بی‌علاقگی شاه به اسلام، ملاها و روحانیان خشمگین، بر شورش‌های قبیله‌ای، عنوان جهاد علیه شاه نهادند. امان‌الله‌خان با نادیده انگاشتن آداب و رسوم دیرینه‌ی مردم افغانستان و تقلید در گفتار و نوشتار و عادات از غرب، از جمله پوشیدن کلاه و لباس فرنگی از سوی مردان، بی‌حجابی زنان، تغییر آرم و پرچم و تقویم هجری قمری، انتقال روز تعطیل هفته به پنجشنبه، تأسیس مکتب‌خانه‌های نسوان،^۴ شتاب جنون‌آمیز و عشق به تحولات جدید، در کنار عوامل دیگری همچون رشوه‌خواری، عیاشی و شراب‌خواری مأموران حکومتی، تبعیض، اخذ مالیات‌های گذشته، بی‌کاری حکام، بی‌حیایی زنان، یاغی قلمداد کردن شورشیان نواحی شمالی،^۵ وقوع شورش‌های داخلی و ایجاد فاصله میان دولت و ملت، سقوط دولت خود را تسریع نمود و باعث روی آوردن قشرهای مختلف اجتماع به حبیب‌الله بچه سقا شد.

در نتیجه، اصلاحات امان‌الله خان و غرب زدگی او واکنش‌های مخالفی شکل گرفت که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

- شورش طوایف منگل

طوایف منگل چهار سال قبل از مسافرت امان‌الله‌خان به اروپا، به همراه قبیله‌های احمدزایی، جاجی و سلیمان خیل، علیه امان‌الله شوریده بودند (۱۹۲۴م). آنان بار دیگر به رهبری

۱ دولت‌آبادی، همان، ص ۳۲۲.

۲ بری، همان، صص ۹۴-۹۵.

۳ هروی، همان، ص ۴۴.

۴ همان، ص ۳۹.

۵ عبدالشکور حکم‌آبی، تا، از عیاری تا امارت، پاکستان، پیشاور: نشر فضل، صص ۱۷۶-۱۷۷.

روحانیان و ملایانی مانند ملای لنگ (عبدالله) از خاندان مجددی، و ملا رشید، در اعتراض به قانون جدید جزا و تقاضای اجرای احکام قرآن، طوایف جنوبی به خصوص منگل را علیه امان‌الله تحریک کردند. امان‌الله ابتدا قصد کرد با واسطه قرار دادن فضل عمر مجددی، سایر روحانیان شورشی را آرام کند، اما موفق نشد. محمد نادرخان وزیر جنگ، از امان‌الله تقاضا کرد قانون جزا و خدمات نظامی را از نواحی جنوبی لغو کند. سرانجام، تحت فشار روحانیان و قبیله‌های شورشی، امان‌الله‌خان در قانون اساسی و مطابقت آن با احکام شرعی تعدیلی صورت داد و فقه حنفی در مسائل دولتی تقویت شد. اما پس از مدتی، شورشیان به دست قوای دولتی سرکوب شدند^۱ و محمد صادق، غلام معصوم مجددی، صبغت‌الله مجددی، سید عبدالله پغمانی و پسرانش، به جرم حضور در قیام ملای لنگ اعدام شدند.^۲

– اغتشاش در میان قبیله‌های شینوار (شینوار)

پس از شکست اصلاحات اخیر امان‌الله‌خان، برخی از متنفذان افغان، مانند علی احمدخان والی کابل و سردار محمد عثمان خان، با تشکیل کمیته‌ای در کابل (۱۳۰۷هـ.ش)، تصمیم گرفتند امان‌الله‌خان را به قتل برسانند؛ اما اعدام عبدالرحمن‌خان از سوی امان‌الله‌خان، باعث فروپاشی کمیته‌ی مذکور شد. در همان سال، افراد شاخه‌ی سنگوخیل قبیله‌ی شینوار به رهبری محمد افضل شینواری به بهانه‌ی عدم رسیدگی حکام به تقاضاهایشان، مأموران دولتی را دست‌گیر و خلع سلاح کردند، رهسپار جلال‌آباد شدند و ضمن شکست قوای نظامی جلال‌آباد، سلاح‌های نظامی آن‌ها را به دست آوردند و دفتر نظمیه‌ی جلال‌آباد را محاصره نمودند؛ حتی غلام صدیق خان را که برای آرام کردن آن‌ها از سوی حکومت مرکزی فرستاده شده بود، به اسارت گرفتند. سرانجام، ایل شینواری، پس از به قتل رساندن ۳۰۰ نفر و به اسارت گرفتن ۲۰۰ نفر دیگر، تقاضای صلح کردند.^۳ از جمله‌ی شروط صلح آنان این بود که تمامی اصلاحات بایستی کنار گذاشته شود. دولت افغانستان برای پایان دادن به جنگ با این طایفه، که راه میان پیشاور و کابل را قطع کرده بودند، تمامی شرایط صلح مورد نظر آنان را پذیرفت.^۴

۱ غبار، همان، ج ۱، ص ۸۱۰.

۲ خلیل‌الله خلیلی (۱۳۷۰)، *عیاری از خراسان*، امیر حبیب‌الله خادم دین رسول‌الله، به کوشش محمد ناصر طهوری، کابل: نشر جریده‌ی آزادی، ص بیست و سه.

۳ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه (دسامبر ۱۹۲۸)، دوسیه‌ی ۸، کارتن ۲۶، از سفارت شاهنشاهی ایران - برلن: نمره‌ی ۱۵۴۸.

۴ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه (مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)، دوسیه‌ی ۸، کارتن ۲۶، از ژنرال قونسول دولت ایران در هندوستان (عصمت یا اعتصام)، وزارت جلیله‌ی خارجه، نمره‌ی ۱۱۰۰۰ (ترجمه‌ی روزنامه‌ی سیوسی انهمیتری کاردن).

- شورش کوهستان یاقیم حبیب‌الله بچه سقا

حبیب‌الله فرزند عبدالرحمن مشهور به بچه سقا- که به دلیل شغل سقایی پدرش برای مجاهدان افغان در جنگ‌های افغان‌ها علیه انگلیس، با آب رسانی به خانه‌های مردم،^۱ به بچه سقا مشهور بود- از اهالی کوهستان و از گماشتگان ملک محسن، از ریش‌سفیدان بخش کلگان، به شمار می‌آمد. او، مقارن حکومت حبیب‌الله خان (۱۹۱۶ - ۱۹۱۹م)، در باغ محمدحسین مستوفی الممالک به کارباغبانی مشغول بود و در سال‌های ۱۹۹۰ - ۱۹۲۲م در قطعه‌ی نمونه، که به کمک صاحب منصبان ترک تشکیل شده بود، داوطلبانه به خدمت نظام درآمد^۲ و در رکاب انور بیگ، در سرکوبی شورش منگل (۱۹۲۴م) شرکت جست؛ اما چون برخلاف وعده‌ای که دو تپیان به او داده بودند، رتبه‌ی نظامی به او اعطا نشد، و یا به علت آن که او مخالف اصلاحات امانی بود و نمی‌خواست در سرکوبی طوایف منگل شرکت کند،^۳ از خدمت نظام فرار کرد و به راهزنی از اشخاص سودجو و رشوه‌خوار کوه‌دامن و پیرامون آن دست زد؛ اما سرانجام به جرم ترک خدمت، توسط مأموران دولتی دست‌گیر و زندانی شد و پس از فرار از زندان، علیه دولت امان‌الله‌خان به فعالیت پرداخت (۱۹۲۵ - ۱۹۲۸م). او، در جریان سفر امان‌الله‌خان به اروپا، در پیشاور متواری شد و پس از بازگشت به افغانستان، در کوهستان کوه‌دامن عملیاتی علیه قوای دولتی صورت داد. در این زمان، سید حسینی (از راهزنان مشهور وقت) و حکومت محلی شیرخان با وی همراهی کردند. احمدعلی‌خان، رئیس بلدیة کابل، با بچه سقا و سید حسن صلح کرد، به شرط آن که آن دو، دست از راهزنی بردارند و در عوض، بچه سقا با پول و سلاحی که از دولت دریافت می‌کند، در اردوی دولتی شرکت جوید.^۴

در این زمان، روحانیان و مردم تکاب، به ریاست آخوندزاده‌ی تکابی، با شنواری‌ها متحد شدند و برخی از روحانیان و متنفذان کوهستان، برای عزل امان‌الله و پادشاهی بچه‌سقا در جلسه‌ای مذاکره نمودند و او را شاه خطاب کردند. بچه سقا با محاصره‌ی سرای خواجه (مقر حکومتی کوه‌دامن) و غارت سلاح‌های مقر سپاهیان دولتی، همراه دسته‌ای ۳۰۰ نفری به سوی

۱ دولت آبادی، همان، ص ۳۴۰.

۲ دانشنامه‌ی ادب فارسی در افغانستان (۱۳۷۸)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ص ۳۲۱.

۳ خلیلی (۱۳۷۰)، صص ۱۱۶-۱۱۷.

۴ دایرة المعارف آریانا، (۱۳۲۸-۱۳۴۸)، «حبیب‌الله مشهور به بچه سقا»، کابل: انجمن دایرة المعارف افغانستان، ص ۴۲۰۹.

کابل حرکت کرد و در زد و خورد با قوای دولتی کابل مجروح شد.^۱

- مخالفت روحانیان و درباریان

اصلاحات امان‌الله‌خان در راستای انطباق قوانین قدیم و جدید افغانستان به منظور نهادینه کردن حکومت مرکزی، ناکام ماند. مرحله‌ی دوم اصلاحات وی، مخالفت‌های روحانیان و درباریان و همراهی آنان با قبیله‌های شورشی، به سقوط دولت امان‌الله‌خان انجامید زیرا اصلاحات او، به از دست رفتن منافع اشراف، زمین‌داران و روحانیان منجر شده بود. از این رو، خان‌های بزرگی مانند غلام حیدر خان حسن زایی، با امین جان (اشراف‌زاده‌ای محلی و جاه‌طلب) متحد شد. از سوی دیگر، محمد صدیق خان غلزایی، سلطان محمدخان خلوزایی، معصوم خان پاتک زایی (خان‌های درجه‌ی دوم) نیز، با شورشیان همراه شدند. اشتراک منافع خان‌های درجه‌ی اول و دوم با روحانیان، و به‌خصوص نارضایتی بسیاری از مشایخ نقشبندی مجددی و ملایان از اصلاحات امان‌الله، موجب شد آنان در مواعظه‌ها و خطابه‌های خود، مردم را به نافرمانی علیه حکومت نامشروع امانی دعوت کنند.^۲ بسیاری از آنان، مانند نورالمشایخ مجددی (در رأس مردم کتواز، زرمتم و سلیمان خیل)، با همراهی میرغوث‌الدین خان احمد زایی (در رأس احمد زایی‌ها، مردم سهاک، جدران وغیره) برضد امان‌الله و در راستای حمایت از بچه سقا طغیان نمایند.^۳

از مشهورترین درباریانی که زمینه‌های سقوط امان‌الله‌خان را آماده کردند، غلام صدیق «کفیل وزارت خارجه» و فیض محمدخان «وزیر معارف»، از عوامل دولت انگلستان بودند. سردار حیات خان، شیرین‌جان خان، محمدصدیق خان و روحانیانی مانند حضرت صاحب شور بازار و مریدانش، نیز حامی بچه سقا محسوب می‌شدند.^۴

- عوامل خارجی: ناسنجیده کاری‌های امان‌الله‌خان در صحنه‌ی سیاست بین‌المللی

اشتباه دیگر امان‌الله‌خان آن بود که خواهان حفظ توازن و تعادل در سیاست بین‌المللی^۵ و در رابطه با شوروی و انگلستان بود.

۱ میرمحمد صدیق فرهنگ (۱۳۷۱)، همان، صص ۵۶۴-۵۶۶.

۲ دانشنامه‌ی ادب فارسی در افغانستان، ص ۳۲۲.

۳ غبار، همان، ج ۱، صص ۷۹۹-۸۰۱.

۴ فرخ، همان، ج ۱، صص ۴۰۸-۴۰۹.

۵ هروی، همان، ص ۴۰.

پیش از انعقاد قرارداد «راولپندی» میان انگلستان و افغانستان، حکومت وقت افغانستان با انعقاد قرار داد صلحی با دولت بلشویکی شوروی، نخستین کشوری بود که دولت بلشویکی را به رسمیت شناخت.^۱ در نتیجه، حاکمیت شوروی بر سیاست افغانستان با نامه‌ی نین به امان‌الله‌خان (در ۲۷ نوامبر سال ۱۹۱۹م) و طرح احتمالی مبارزه‌ی مشترک روسیه-افغانستان علیه انگلستان، آغاز شد. پس از امضای طرح‌های دوستی میان کابل و مسکو (۱۹۲۰-۱۹۲۱ م)، با وجود به‌رسمیت شناختن استقلال خیوه و بخارا از سوی شوروی، این دولت، به حفظ حاکمیت روسیه بر مسلمانان آسیای میانه تمایل داشت. با توجه به این‌که پس از تصرف ترکستان (در سال ۱۸۶۷م) توسط رژیم روسیه‌ی تزاری، خیوه و بخارا تحت‌الحمایه این رژیم بودند، اما ارتباط مبارزان بسمه‌چی با بلشویک‌ها، در این نواحی علیه حکومت تزاری، موجب شد به پاس همکاری‌شان با بلشویک‌ها، در سال ۱۹۲۰م در کنگره‌ی باکو استقلال آن‌ها به رسمیت شناخته شود.^۲

با وجود آن‌که امان‌الله‌خان به شوروی تمایل داشت، اما دولت شوروی با سیاست نزدیکی به سرحدات افغانستان به منظور دست‌یابی به آب‌های گرم جنوب، در بحران‌های داخلی و جنگ‌های خارجی سیاست استعماری خود را در افغانستان اجراء می‌کرد. شوروی در هنگام درگیری‌های افغانستان و انگلستان با تصرف پنجده و استیلا بر بخارا و اشغال اراضی مسلمان نشین آن سوی آمودریا، مانند بخارا، سمرقند، فرغانه، خیوه و خوارزم، و اوضاع اسف‌بار مهاجران آواری آن مناطق، موجب برانگیختن احساسات مسلمانان آزادی‌خواه افغانستان و حمایت رهبران مذهبی از آنان گردید. چنان‌که قیام انوریگ فرمان‌ده عثمانی در دوشنبه‌ی تاجیکستان، به اتفاق مسلمانان این ناحیه، موجب پیوستن مولوی عبدالحی به همراه اهالی پنجشیر، و در نهایت قیامی عمومی در سراسر افغانستان شد، که سرانجام آن، قتل انوریگ با دخالت عمال دولت شوروی بود.^۳

برخی از مورخان معتقدند که دخالت‌های حکومت هند - انگلیس در مسائل سیاسی افغانستان، در سقوط دولت امان‌الله‌خان مؤثر بوده است. هر چند در خصوص تحریک قبیله‌های افغانی به شورش از سوی عمال انگلیسی، سند قطعی در دست نیست، اما رهبران

1 The New Encyclopaedia Britannica (1994), Vol. 13, P 34 .

۲ بری، همان، صص ۱۱۹-۱۲۰.

۳ خلیلی، همان، صص ۱۰۴-۱۰۶.

انگلیسی - هندی، امان الله خان را به سبب آن که طرفدار سیاست های شوروی بود، عنصر مطلوبی به شمار نمی آوردند؛ و از این رو، به ایجاد آرامش در حکومت او کمک نمی کردند. از مهم ترین اشتباهات امان الله خان آن بود که افغانستان را یک سویه به عناد با انگلستان مواجه کرد و با تصور کسب حمایت روسیه له خود و علیه انگلیس، در مقابل انگلستان قرار گرفت، اما انگلستان از شورش مسلمانان ملی گرای هندوستان نگران بود.^۱

مأموران انگلستان پس از واقعه‌ی کشف حجاب زنان و نیز با استفاده از جمعیت های مذهبی در افغانستان، اقوام را به جان هم انداختند. پس از طرح استقلال افغانستان از سوی امان الله خان و فتوای جهاد علیه انگلیسی ها و آمادگی هزاره ها و قزلباشان برای جهاد، انگلیسی ها با کشتن کودکی از اهل تسنن و نسبت دادن این عمل به شیعیان، موجب بازگشت اهل اجماع از جهاد و حمله‌ی آنان به شیعیان قندهار شدند. خوشدل خان حاکم قندهار، با گرفتن پادشاه سه میلیون روپیه ای از انگلستان و دادن بخشی از آن به عنوان رشوه به ملا عبدالواسع کاکری (صادر کننده‌ی فرمان قتل عام شیعیان)، جهاد افغانان علیه انگلستان را خنثی نمود.^۲

از یک سو، کلنل لارنس با نفوذ در میان قبایل شنواری،^۳ سقوط امان الله خان را تسریع کرد. از سوی دیگر، کوشش برخی دیگر از عوامل انگلیس، مانند همفریز (مأمور سفارت انگلستان در افغانستان)، در تماس های علنی با شورشیان،^۴ در سقوط امان الله خان دخیل بود.

سقوط امان الله خان و آغاز حکومت بچه سقا

با گسترش شورش در افغانستان، برخی از رجال مهم آن زمان، مانند علی احمد خان (فرمانده قشون)، غلام صدیق خان (وزیر امور خارجه)، محمد نادر خان و برادرانش (از عوامل دولت انگلیس) و وزیری مانند میرغوث الدین احمدزایی، در برابر امان الله خان ایستادند. هر چند امان الله خان با ایراد نطقی اعلام نمود که برخی اصلاحات خود را، مانند رفع حجاب، جلوگیری از تعدد زوجات، تحصیل ملایان در مدرسه‌ی دیوبند و غیره، لغومی کند، اما عدم حمایت مردم و درباریان، باعث فرار او و خانواده‌اش به همراه مقادیر زیادی نقدینه و

۱ بری، همان، صص ۹۶-۹۷.

۲ هروی، همان، صص ۳۷-۳۸.

۳ فرخ، همان، ج ۱، صص ۴۰۹-۴۱۰.

۴ فرهنگ، همان، صص ۵۳۰-۵۴۱.

جواهرات به قندهار شد.^۱ در این زمان، قونسول‌گری‌های انگلیس، فرانسه، آلمان و ایران، شرایط انتقال اتباع خود را به کشورهایشان فراهم کردند.

در این اثنا، بچه سقا با اعلان جهاد بر ضد امان‌الله کافر، به کابل حمله کرد.^۲ با تشکیل جلسه ای مرکب از مشایخ مجددی، مانند عبدالله خان و بزرگ جان مجددی از یک سو، و معین السلطنه عنایت‌الله‌خان، عزالدوله حیات‌الله خان (دو برادر امان‌الله خان) و سردار محمد عثمان خان (نایب الحکومه) از سوی دیگر، یاری زمین‌دارانی مانند ملک محمد محسن و ملک عبدالحکیم، مردم به قیام عمومی علیه امان‌الله خان بر انگیزخته شدند. پس از فتح کابل و انتخاب حبیب‌الله بچه سقا به حکومت از سوی مردم، شمس‌الدین مجددی با بستن کمر بچه سقا و قرائت خطبه‌های نماز جمعه تحت عنوان «امیر حبیب‌الله خادم دین رسول‌الله»، بچه سقا به حکومت افغانستان رسید.^۳

علماء در عوض تاج شاهی، دستار سفید بر سر بچه سقا بستند. احیای لقب قدیمی امیر، که امان‌الله خان، لقب شاه را جای‌گزین آن کرده بود، نشانه‌ی الغای اصلاحات امانی و برقراری مجدد سنت‌ها بود.^۴ با وجود این، حبیب‌الله بچه سقا مدعی شد که حبیب‌الله غازی یا حبیب‌الله دوم و امیر افغانستان است.^۵

امان‌الله خان طی استعفانامه‌ای، برادرش عنایت‌الله‌خان را به عنوان شاه جدید اعلام نمود.^۶ هرچند عنایت‌الله خان به عنوان شاه جدید تعیین شد، اما بیعت کردن شیرجان خان و طوایف احمدزایی با بچه سقا، باعث شد حکومت سه روزه‌ی عنایت‌الله‌خان از همان ابتدا متزلزل گردد. با قدرت گرفتن بچه سقا، عنایت‌الله‌خان از حکومت استعفا داد و به ایران رفت و تا پایان عمرش در آن جا باقی ماند و امان‌الله به ایتالیا تبعید شد.^۷

با توجه به نظریه‌ی جانسون، اصلاحات امان‌الله‌خان، با دخالت عوامل و عناصر داخلی (مانند شورهای قبیله‌ها، مخالفت روحانیان و درباریان) و عناصر خارجی (مانند دخالت

۱ آرشیو اسناد وزارت امور خارجه (مورخ ۱۳۰۷/۱۰/۱۹)، دوسیه‌ی ۸، کارتن ۲۶، از ژنرال قونسول‌گری ایران در دهلی به وزارت امور خارجه، نامه‌ی نمره‌ی ۱۰۴۷.

۲ دولت‌آبادی، همان صص ۳۳۹-۳۴۰.

۳ خلیلی، همان، صص بیست و سه و بیست و چهار.

۴ دانشنامه‌ی ادب فارسی در افغانستان، ص ۳۲۳.

5 *The New Encyclopedia Britannica* (1994), Vol. 13, P 34.

6 Ehsan Yarshater (1989), "BACCA- SAQQA", *Encyclopedia Iranica*, vol. III, P338.

7 *The New Encyclopedia Britannica* (1994), vol. 13, P 311.

عوامل و مأموران دولت انگلیس) به ناهم‌آهنگی میان محیط و ارزش‌های اجتماعی در جامعه انجامید. در نتیجه، با فروپاشی مشروعیت و اقتدار حکومت امان‌الله‌خان و به‌خصوص عدم تمایل رهبران سیاسی و نخبگان داخلی به ایجاد هم‌آهنگی لازم میان محیط، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تغییرات اجتماعی صورت گرفت و حکومت امان‌الله‌خان جای خود را به حکومت بچه سقا داد.

حبیب‌الله بچه سقا، پس از رسیدن به حکومت که تنها ۹ ماه دوام داشت، اصلاحات امانی را، در زمینه‌ی مالیات‌های غیرشرعی، خدمت نظام اجباری، تقویم شمسی، مکاتب انگلیس، فرانسوی و جرمنی، لغو نمود^۱ و به‌قولی شمول قانون اساسی را از میان برد. برخی دوره‌ی او را آغاز ناهنجاری‌های فراوان در تاریخ افغانستان دانسته‌اند.^۲ عده‌ای او را جوان آزاده،^۳ و برخی خادم دین رسول‌الله نامیده‌اند، که در زمان او امنیت برقرار و دولت افغانستان از آزادی برخوردار بود.^۴ هر چند جنبش سقا، جنبشی اصیل و مردمی بر ضد حکومت مرکزی بود که علاوه بر تاجیکان، بسیاری از پشتون تبارهای کوه‌دامن پشتیبان آن بودند، اما مورد دست‌کاری ملاها و مشایخ، به‌خصوص مجددی‌ها، قرار گرفت؛ و لذا نمی‌توان آن را خودجوش تلقی نمود.^۵ چنان‌که شمس‌الحق مجددی که دستار پادشاهی را به سر بچه سقا بست، پس از ۹ ماه به او پشت کرد. با وجود این، حکومت بچه سقا دگرگونی عمیقی در سیاست داخلی و خارجی افغانستان ایجاد کرد و اساس حکومت را که بر زد و بندهای قیابلی مبتنی بود، فرو ریخت و برای نخستین بار افغانستان صاحب حکومت تاجیکی شد و سیاست مستقلی در برابر شوروی و انگلستان در پیش گرفت.^۶

نتیجه

در سقوط امان‌الله‌خان پاره‌ای عوامل داخلی و خارجی به‌صورت توأمان دخالت داشت. در زمینه‌ی داخلی، اصلاحات امان‌الله‌خان و تقلید جنون‌آمیز او از غرب، موجب مخالفت

۱ اخوان، همان، ص ۴۳.

۲ الحاج ننگیان (۱۳۶۶)، اسناد تاریخی افغانستان، پاکستان، پیشاور: بی‌نا، صص ۲۲-۲۳.

۳ هروی، همان، ص ۳۶.

۴ ش. ن. حق شناس (۱۳۶۸)، دیپلماسی و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمد تا ببرک، پاکستان: صص ۱۲۸-۱۴۱.

۵ خلیل‌الله خلیلی (۱۳۶۶)، نخستین تجاوز روس به افغانستان، تهران: بی‌نا، صص ۲۰-۲۱.

۶ دانشنامه‌ی ادب فارسی در افغانستان، ص ۳۳۷.

۷ دولت‌آبادی، همان، ص ۳۴۷.

چهار گروه عمده اجتماعی با اصلاحات وی شد. در درجه‌ی نخست، مأموران دولتی و رهبران نظامی، مانند محمد نادر خان (وزیر جنگ) و غلام صدیق خان، مخالف اصلاحاتی مانند لغو قانون جزا و خدمت نظام بودند. دومین گروه مخالفان اصلاحات امان‌الله خان، روشن‌فکران و جوانان انقلابی افغانی تأثیر گرفته از جنبش جوانان ترک عثمانی بودند که اصلاحات امان‌الله خان را موجب افزایش فساد اداری می‌دانستند.

روحانیان و رهبران صوفیه‌ی نقشبندی مجددی، به‌ویژه محمد صادق و فضل عمر مجددی، سومین گروه مخالفان امان‌الله خان مخصوصاً به دلیل لغو امتیازات روحانیان در قانون جزا بودند که فتوای کفر امان‌الله خان را صادر کردند؛ در نتیجه، قیام شنوار و تکاب به‌وقوع پیوست. چهارمین گروه مخالف وی سران قبیله‌ها بودند که اصلاحات امان‌الله باعث کوتاه شدن دست آن‌ها، به‌خصوص پشتون‌ها، و لغو امتیازهای عشیره‌ی محمد زابی و پیوستن آنان به شورش طوایف منگل، پشتون و کوهستان گردید.

اما مهم‌ترین عامل خارجی مؤثر در سقوط امان‌الله خان، تقویت بچه‌سقا به‌وسیله‌ی حکومت هند-انگلستان و گسترش قیام در میان قبایل شنوار تحت نفوذ لارنس انگلیسی بود که پس از مراجعت وی از پشاور رخ داد.

در پاسخ به فرضیه‌ی مقاله - بر اساس نظریه‌ی جانسون - اصلاحات امان‌الله خان و حاکمیت ارزش‌های جدید در محیط اجتماعی موجب برهم خوردن تعادل در جامعه‌ی افغانستان شد که مخالفت اعضای حکومت، درباریان، سرداران، روحانیان و ملاها، خان‌های محلی، قبیله‌های شورشی و دیگران را با امان‌الله خان به دنبال آورد.

از سوی دیگر، عدم تمایل نخبگان سیاسی، مانند محمد نادر خان، غلام صدیق خان، فیض محمد خان و دیگران، در راستای ایجاد تعادل در جامعه و در نتیجه تداوم ناهم‌آهنگی میان ارزش‌ها و محیط اجتماعی، موجب سقوط امان‌الله خان شد و بر اثر ناکامی اصلاحات امان‌الله خان و عدم تعامل میان محیط و ارزش‌های اجتماعی، در حکومت و جامعه‌ی افغانستان تغییر اجتماعی جدی به‌وقوع پیوست.

منابع

الف. کتاب‌ها

- اخوان، صفا (۱۳۸۰)، تاریخ شفاهی افغانستان (۱۹۰۰-۱۹۹۲)، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳)، تحول انقلابی، ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۴)، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گرا، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- حق‌شناس: ش. ن (۱۳۶۸)، دسایس و جنایات روس در افغانستان، از امیر دوست محمد تا ببرک، پاکستان: [بی‌نا].
- حکم، عبدالشکور [بی‌تا]، از عیاری تا امارت، پاکستان، پیشاور: نشر فضل.
- خلیلی، خلیل الله (۱۳۷۰)، عیاری از خراسان، امیر حبیب الله خادم دین رسول الله، به کوشش محمد ناصر طهوری، کابل: نشر جریده‌ی آزادی.
- ---- (۱۳۶۶)، نخستین تجاوز روس به افغانستان، تهران: [بی‌نا].
- خوافی، میرزا یعقوب علی (۱۳۸۸)، پادشاهان اخیر افغانستان، ویراسته‌ی محمد سرور مولائی، تهران: عرفان.
- دولت آبادی، بصیر احمد (۱۳۸۲)، شناسنامه‌ی افغانستان، تهران: نشر عرفان، چ ۲.
- غبار، محمدغلام (۱۳۷۸)، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، تهران: نشر انقلاب و جمهوری.
- فرخ، سید مهدی (۱۳۱۴)، تاریخ سیاسی افغانستان، ج ۱، تهران: مجلس.
- ---- (۱۳۷۰)، کرسی‌نشینان کابل، به کوشش محمد آصف فکرت، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- فرهنگ، میرمحمد صدیق (۱۳۷۱)، افغانستان در پنج قرن اخیر، مشهد: درخشش.
- کلیفورد، مری لوئیس (۱۳۶۸)، سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه‌ی مرتضی اسعدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ماگنوس، ا. چ (۱۳۸۰)، افغانستان (روحانی، مارکس، مجاهد)، ترجمه‌ی قاسم ملکی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ننگیان، الحاج (۱۳۶۶)، اسناد تاریخی افغانستان، پاکستان، پیشاور: [بی‌نا].
- هروی، نجیب مایل (۱۳۶۲)، تاریخ و زبان در افغانستان، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

ب. مقاله‌ها

- بری، مایکل (۱۳۸۸)، بازی بزرگ، مدار از فلک چشم نیک اختری را، به کوشش ذوالمجد عالم شاهی، کابل: نشر امیری.
- دایرةالمعارف آریانا (۱۳۲۸-۱۳۴۸)، «حبیب‌الله مشهور به بچه سقا»، کابل: انجمن دایرةالمعارف افغانستان.

- دانشنامه‌ی ادب فارسی در افغانستان (۱۳۷۸)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- Yarshater Ehsan (1989), "BACCA-SAQQA", *Encyclopedia Iranica*, Vol. III, London, New York: Rutledge, Keganpaul.
- *The New Encyclopedia Britannica* (1994), Macropaedia founded, Vol. 1 & 13.

ج. سندهای آرشیوی

- اسناد وزارت امور خارجه (پرونده‌های مربوط به اداره‌ی اوّل سیاسی وزارت پهلوی). سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در کابل، برلین. ژنرال قونسول‌گری ایران در دهلی، هند، کابل. نمایندگی سیاسی قونسول‌گری ایران در هندوستان (اسناد مربوط به سال ۱۳۰۷ ش، دوسیه‌های ۲ و ۸، کارتن ۲۶).

Archive of SID